



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

معماری و شهرسازی از دیدگاه جرم شناسی

مهر آفرین قائمی اردکانی

کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی

Ardakanihoghghi@gmail.com

چکیده:

این مقاله به صورت توصیفی، تحلیلی نگارش گردیده، با هدف هشدار برای جدی تلقی کردن عوارض برنامه ریزی و طراحی های نسنجیده و جامع نبودن بسیاری از طرح های شهری به دلیل کم رنگ بودن استفاده از کارشناسان و خبرگان رشته های علوم انسانی از جمله جرم شناسی، میتوان در اینجا به دستاوردهای مقاله اشاره کرد که اعم است از ایجاد زمینه هم اندیشی بین جرم شناسان و طراحان شهری و بررسی امکان پیشگیری و کاهش جرائم و ناهنجاری ها با توجه به نظریه های علم حقوق و رویکردهای جرم شناسی در جهت کاهش آسیب های اجتماعی، اگرچه در سالهای اخیر پیشرفت های ارزشمندی در زمینه مهندسی در کشورمان انجام شده با این وجود لازم است بر جنبه هایی نیز در مهندسی تاکید و بازنگری کنیم. از آن جمله مبحث رعایت موازینی از طراحی و شهرسازی می باشد که می تواند باعث کاهش یا پیشگیری عوامل جرم زا باشد. رشد شتابان جمعیت شهرنشین مسائل و مشکلات فراوانی را در شهرها در پی داشته، به طوری که امروزه، امنیت و آسایش شهروندان را تهدید می کند. معمولاً اعمال مجرمانه در قسمت هایی از شهر بیشتر اتفاق می افتد. چون مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده عمل می کنند و اماکنی را جهت اعمال مجرمانه خود برمی گزینند که ارتکاب جرم در آن با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان پذیر باشد. و ممکن است مواردی از این نقاط ناشی از برنامه ریزی یا طراحی شهری نسنجیده باشد. پس برنامه ریزان شهری می تواند توجه ویژه ای به موضوع داشته باشند. CPTED (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) از تکنیک هایی است که می تواند در این راستا به برنامه ریزان کمک نماید. فرضیه ی این مقاله بر این اساس است که تعامل و همکاری میان رشته ای بین جرم شناسان و برنامه ریزان و طراحان شهری در کنترل و کاهش جرایم موثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: جرائم شهری، طراحی محیطی، جرم شناسی

مقدمه

تمامی تمدن های بشری بر پایه علوم مهمی مانند مهندسی استوار گردیده و پیشینیان ما نیز در این سرزمین سربلند از این قاعده مستثنی نبوده اند. آنها در دوره های مختلف به فراخور شرایط آن زمان مهندسی را به شکل مطلوبی با علوم انسانی بهم آمیخته و ترکیب بی بدیلی را خلق نموده اند. نگرانی اصحاب علوم انسانی حاضر در دوره از کم رنگ شدن پرداختن به موضوعات علوم انسانی در طراحی و اجرای مهندسی می باشد. قدر مسلم این است که پرداختن به موضوع بستر سازی فرهنگی در معماری و شهرسازی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

یکی از عوامل مهم پیشگیری از وقوع جرم می باشد. یکی از مهم ترین عوامل سازنده کیفیت مطلوب در زندگی انسان، «موضوع امنیت محیط زندگی» مصون ماندن افراد اجتماع از خطرات، آلودگی ها و ناهنجاریهاست. احساس ناامنی در محیط و نگرانی های ناشی از مکان های ناامن بر سایر فعالیت های انسانی تاثیر می گذارد و امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره به درستی انجام پذیر نخواهد بود و در پاره ای موارد حاد، فعالیت های روزمره اجتماعی مختل خواهد شد. عوامل محیطی می تواند با ایجاد شرایطی، مجرم را تشویق به ارتکاب جرم کند و برعکس با طراحی و شهرسای سنجیده از طرق مختلف از وقوع بسیاری از جرائم طراحی نمود. پیشگیری محیطی مبحثی بسیار مهم در پیشگیری از وقوع جرائم شهری می باشد البته اگر این علم با علم جرمشناسی تلفیق شود تا در ایمن سازی جامعه از نظر جرم خیزی رسالت خود را ایفا نمائیم و تصویری نو از ساخت و ساز را شاهد باشیم. علم جرمشناسی به پیشگیری قبل از وقوع جرم توجه دارد و در پی پایین آوردن آمار جرائم با کمترین هزینه می باشد (پیشگیری قبل از درمان) مهندسان معماری و شهرسازی در کنار جرمشناسان بهترین گزینه برای جلوگیری از بروز جرائم شهری می باشند. هر فرد بزهکاری قبل از تصمیم گیری به انجام عمل ناهنجار خود به دنبال شرایط مناسب است. ما می توانیم با تلفیق علوم یاد شده این فرصت را از بزهکاران بگیریم مانند برنامه ریزی سنجیده شهری و شهرسازی مبتنی بر جلوگیری از آسیب های اجتماعی که البته انجام این عوامل سخت نیست با قرار گرفتن این دو علم در کنار همدیگر معماران و شهرسازان می توانند قبل از هر چیز متوجه این موضوع باشند که با ایجاد یک بنا ممکن است باعث ایجاد فرصت برای یک بزهکار شوند و یا بالعکس. سازنده بنا، سازنده فردای با امنیت شهروندانش است که می تواند با توجه به علم جرمشناسی امنیت را همراه ساخت بنا به شهروندان خود هدیه کند. ساخت و سازهای بدون برنامه و بدون توجه به این مسائل باعث مشکلات زیادی در جوامع شهری می شود. و اکنون که بناها یا محلاتی با این مشخصات ساخته شده می توان دست به اصلاح آنها زد تا از عوارض و عواقب جبران ناشدنی آن پیشگیری نمود. می توان با کمک آمار توجه به این موضوع داشت که اعمال مجرمانه در کدام مناطق شهری بیشتر است تا با اصلاح ساختارهای نادرست از آمار جرائم کاست. و با جستجوی علل آن که علاوه بر عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی ریشه در معماری و شهرسازی نیز دارند باعث جلوگیری از بالا رفتن بیشتر این آمارها شد. (اردکانی، ۱۳۹۷: ۱۰)

۱. شهر، کالبد، روان

همانگونه که انسان دارای کالبد و روان است. اگر ساختار فیزیکی شهر را به مثابه ی کالبد فرض کنیم روابط اجتماعی شهری نیز به منزله ی روان شهر شناخته می شود. بنابراین همان طور که نحوه عملکرد جسم بر روح اثر می گذارد چگونگی برنامه ریزی، طراحی و شهرسازی نیز بر روابط اجتماعی هر شهری تاثیر مستقیم دارند. اگرچه آثار روح بر جسم را نیز می دانیم و در نتیجه اثر بخشی و الزاماتی که روابط اجتماعی می تواند بر ساختار فیزیکی شهرسازی داشته باشد باید در نظر داشت. در این مقاله سعی بر آن خواهیم داشت تا عوامل جرم را مرتبط با مبحث مهندسی، طراحی و شهرسازی را مدنظر قرار دهیم (اردکانی، ۱۳۹۷: ۱۱) مقوله ساخت و ساز شهری، یک مقوله فرهنگی و اجتماعی است که ریشه در فرهنگ گذشته هر سرزمین داشته و نشانگر نحوه تفکر و نوع زیست یک ملت است. به عبارت دیگر، معماری هر جامعه در هر دوره از تاریخ، تبلور ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... حاکم بر آن جامعه و متشکل از تفکرات و سنن آنان است. از طرفی نیز، معماری و نحوه ارتباط عناصر معماری، بر رفتار انسان ها تاثیر گذاشته و فرهنگ آنان را متأثر می نماید. به دیگر سخن، گرچه بناها و فضاها ساخته دست بشر است، ولی خود نیز بر رفتار اجتماعی و فردی آنان اثر می گذارد. امروزه معماران به این موضوع پی برده اند که فضای فیزیکی دقیقاً همانند قواعد حقوقی می تواند موجب تقویت هنجارها شود. مطالعه معماری نشان میدهد که قواعد حقوقی، تنها ابزار بیان اصول و ارزش های جامعه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

نیستند؛ بلکه محیط فیزیکی نیز می تواند بیانی از اهداف و اصول جامعه باشد. محیط فیزیکی میتواند بدون واسطه با هر کسی که آن را مشاهده کند «با زبان بسته» سخن گوید. قدرت معماری در بیان هنجارها نباید دست کم گرفته شود. حقوق در مقام شکل دادن به هنجارهای

اجتماعی ابزار کاملی نبوده و در بسیاری از موارد، ناکارآمد است. حقوق برای موفقیت خود باید به مردم شناسانده شود. در واقع مردم باید حقوق را بدانند و به آن پایبند گردند. اما برخلاف آن، معماری جزئی فراگیر از زندگی ماست. معماری می تواند به طور ناخودآگاه در زندگی مردم تاثیر بگذارد؛ بنابراین نیاز به معرفی و شناسانده شدن به مردم ندارد. مهندسان معماری می توانند فضاهایی ایجاد کنند که مردم را به هم نزدیک یا از هم دور کنند. همچنین میتوانند احساس امنیت و راحتی را تقویت کرده، یا اینکه بر شلوغی و روان پریشی افراد اجتماع بیافزایند. تحقیقات روان شناختی، اثر طرح و نقشه بر رفتار و دیدگاه ها را نشان میدهد (مزینی، ۱۳۷۵) اگرچه عارضه عدم برنامه ریزی و طراحی صحیح شهری در تمام پیکر کشور، کمابیش قابل مشاهده می باشد لیکن با توجه به ویژگی های استان البرز که نام ایران کوچک بر روی آن گذاشته شده این مشکل جدی تر و در خور توجه شده است. در این استان مهاجرت و حضور قومیت ها و مهاجرین شهرهای مختلف ایران به صورت گسترده ای وجود دارد که به پیچیدگی و سختی کار می افزاید. ما ضمن پرداختن به عوارض ناخواسته، کاستی ها و اشتباهات احتمالی برنامه ریزی و طراحی شهری که در کشور ما جاری می باشد، نگاهی نیز به تجارب و نظریات نظریه پردازان سایر کشورها انداخته و با وقوف به آنها و با رعایت اصول مقایسه و تطبیق مانع از تکرار تجربیات اشتباه دیگران و موجب استفاده از تجارب مفید و قابل استفاده آنان شود. این تجربیات در بعضی کلانشهرهای ایران مانند تهران نیز وجود دارد و اشتباهات بعضاً غیرقابل جبرانی صورت می گیرد و آگاهی از آن ها مانع تکرار در سایر مناطق خواهد شد. در اینجا یک مثال و مقایسه فیزیولوژیکی را می آوریم: اگر یک پزشک جراح اشتباهی را روی بیمار سرطانی انجام دهد باعث بروز متاستاز «گسترش سلولهای سرطانی به سایر اندام ها» خواهد شد. در حال حاضر با استفاده از تکنولوژی های روز میتوان سهل تر و سریع تر و دقیق تر به شناخت و برنامه ریزی مناطقی که دارای اشکالات ساختاری و آلودگی ها و ناهنجاریهای اجتماعی هستند پرداخت. به طور مثال در مورد مناطق داغ (اصطلاح مناطق جرم خیز با آمار بالا) در شهر گرگان با استفاده از GIS اقدامات با ارزشی در جمع آوری اطلاعات و تعیین نقاط انجام شده و با تکامل بخشی به این برنامه می توان موارد اقدامات را به برنامه ای ملی تبدیل نمود (اردکانی، ۱۳۹۷، ۳۵) در اینجا اشاره می کنیم به محله خاک سفید، یکی از معضلات شهری استان تهران که آثار آن همچنان پس از گذشت سالها ملموس می باشد. محله خاک سفید تهران پارس محله ای به عنوان یک منطقه حاشیه ای در شرق تهران که از سال ۵۷ مهاجران زیادی را از شهرهای دور و نزدیک کشور در خود جای داده بود. کولی ها اولین ساکنان آن بودند و شروع به ساخت آلونک هایی کردند و این شد شروع یک فاجعه شهری، هرچه جمعیت این محله زیادتر می شد نام این محله که به خانه های بدون سند معروف بود بیشتر بر سرزبان ها می چرخید. اکثر ساکنان این محله را مهاجران تشکیل میداند که هنوز هم می توان تاثیرات ساخت و سازهای غیرمجاز آنها را در سمت شمال شرقی در اطراف میدان ابوذر دید که بدون رعایت اصول شهرسازی ساخته شده و اکنون به بافت های ناپایدار و فرسوده تبدیل گردیده است. اولین ساخت و سازها در محله خاک سفید از اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ انجام شد و متأسفانه طی دوده دهه این محله به بزرگترین مرکز خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، سرقت، زورگیری، روسپیگری، نزاع و درگیری تبدیل شد علاوه بر این موارد به دلایلی همچون سطح پایین سواد، سطح پایین درآمد ساکنان، شکل نامنظم کوچه ها و معابر، وجود برخی انحرافات اجتماعی، وابستگی های قومی و خویشاوندی و ... به یکی از محله های حاشیه ای شهر تهران تبدیل و در طول سالیان دراز به همین دلیل از امکانات مناسب خدمات شهری تحت عنوان منطقه حاشیه ای محروم بوده اند و در نهایت در اسفندماه ۱۳۷۹ نیروی انتظامی به پارک سازی، تخلیه و سپس تخریب همه واحدهای مسکونی آن اقدام نمود. به نقل از ثمره صفی خانی دانشجوی جامعه شناسی دانشگاه الزهرا،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

آن زمان توافق بر این بود که با تخریب خاک سفید، این منطقه از انواع بزهکاری پاک شود. در سال ۱۳۸۴ در یک نشست اعلام شد که ما اشتباه کردیم و اشتباه مان این بود که باید آن منطقه به طور کامل تخریب می شد و به شناسایی و تخریب مناطق مشابه ادامه می دادیم، در ادامه با اشاره به دگرگونی های اجتماعی در سال های اخیر می گوید: در حال حاضر شهرداری ها می توانند حاشیه شهرها را کنترل کنند و به راحتی اجازه ساخت و ساز در آن مناطق را ندهند. بنابراین مهاجران دیگر نمی توانند منطقه ای حاشیه ای را از آن خود کنند و ساکنش شوند پس اگر بخواهند در شهر بمانند باید خودشان را با فرهنگ شهر سازگار کنند (زمان فشنی، ۱۳۹۴) درست است که با تخریب این محلات به ظاهر یک مشکل شهری حل می شود ولی همین افراد که باعث آموزش بزهکاری به دیگران و ایجاد آسیب های اجتماعی هستند در مناطق دیگر شهر و کشور پراکنده می شوند، بعد از تخریب محله خاک سفید بخش اعظمی از جمعیت سابق این محله به محله های دروازه غار (ناحیه ۴ منطقه ۱۲ شهرداری تهران) و لب خط رفتند و اغلب غربت های بابل در دروازه غار و غربت های ساری، در لب خط ساکن شدند و این پراکندگی باعث نشر و توسعه انواع آسیب ها به مناطق دیگر می شود همانند متاستاز، پس بهتر است در هر زمینه ای که قرار است منجر به ساکن شدن افراد در منطقه ای شود در ابتدا نظر و همکاری معماران و شهرسازان و جرم شناسان را خواستار شویم تا مانع از ایجاد محلاتی مانند خاک سفید و مشکلات بعدی آن شویم. (اردکانی، ۱۳۹۷، ۴۸)

۱.۱. پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی

پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی برای اولین بار در سال ۱۹۷۱ به وسیله ی جرم شناس معروف سی-ری. جفری مطرح شد (C.Ray Jeffery). اگرچه، سرچشمه ی این اندیشه به اثر «جین جاکوبز» (Jan Jacobs) با عنوان «چشم های خیابان» و کتاب تاثیرگذار وی با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» باز می گردد. نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی می خواهد با تغییر و اصلاح محیط کالبدی، فرصت های ارتکاب بزهکاری را کاهش دهد. راهبردهای سنتی نگرش «پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی» بر قلمروگرایی، نظارت طبیعی و وجود چشم هایی بر روی خیابان تاکید داشت و دسترسی به بیرون و درون ساختمان و واحدهای همسایگی را در نظر می گرفت. در این نگرش به مقاوم سازی فضاهای آسیب پذیر قلمروهای عمومی و دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه تمرکز می شد، یعنی توجه به این نکته که رفتار مجرمانه کجا و چه هنگام رخ میدهد. نسل دوم «نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی» در سال ۱۹۹۷ به وسیله ی افرادی چون جی. ساویل و جی. کلیولند توسعه یافت. (G.CeleveLand, G. Saville). در این نگاه نو تلاش شد تا توسعه ی طراحی ها با راهبردهای

پیشگیری بزهکاری ادغام شود و بدین وسیله راهکارهای کاربردی و علمی برای کاهش ناهنجاری های اجتماعی ارائه گردد. برای نمونه از طریق طراحی محیطی مردم یک محله به رعایت معیارهای ایمن سازی تشویق می شوند. (کلانتری و بیرامی، ۱۳۹۰)

۱.۲. فضای مقاوم

فضای مقاوم در برابر بزهکاری اصطلاحی است که در سال ۱۹۷۲ معمار آمریکایی اسکار نیومن آن را بیان کرد. (Oscar Newman) این مفهوم در چند پژوهش انجام یافته بر روی مجتمع های مسکونی در آمریکا به کار گرفته شد. فضای مقاوم عنصر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

اصلی پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی است که بر پایه ی تقویت کنترل های اجتماعی استوار است؛ این اصول عبارتند از: الف. قلمروگرایی: توانایی محیط کالبدی برای ایجاد حس همسایگی و تشویق مردم به نظارت بر محدوده ی فضای مقاوم، ب. نظارت: طراحی کالبدی به گونه ای که ساکنان به صورت منظم و یا اتفاقی بر محدوده های عمومی نظارت کنند، ج. تصور: طراحی برای بهبود تصویر ذهنی افراد از ساخت و سازها و از بین بردن اندیشه ی بدنامی محیط، د. محیط: تاثیر در کنار هم قرارگیری واحدهای همسایگی بر ایمنی و یا ناامنی سایر نواحی. اساس این نگرش این است که افراد خلاف کار و دارای اندیشه های مجرمانه از مکان ها دور نگه داشته شده و متوجه شوند که حضور آن ها در محل سبب جلب توجه اهالی می شود. مردم و دیگر استفاده کنندگان فضا نباید این احساس را داشته باشند که فضا فقط مختص به آن هاست، بلکه باید به نوعی حس تعامل و مشارکت در استفاده از فضا داشته باشند. ایجاد تعامل اجتماعی در مکان های خاص برای جلوگیری از بزهکاری نکته ای است که نگرش فضای مقاوم به دنبال آن است. (کلانتری و بیرامی، ۱۳۹۰)

۱.۳. پیشگیری وضعی بزهکاری

این نگرش در برگرفته ی مجموعه ای از فنون و روش های ویژه است که در اوایل دهه ی ۱۹۸۰ به وسیله ی رونالد کلارک و پاتریا میو در لندن ارائه شد. (Ronald Clark, Patricia Mayhew) این رویکرد چهار مجموعه راهکار را در بر می گیرد: ۱. کاهش اهداف مجرمانه برای کاهش وقوع بزهکاری، ۲. دشوارسازی ارتکاب بزهکاری، ۳. افزایش خطر دستگیری، ۴. افزایش هزینه ها و جزای ارتکاب بزهکاری. این رویکرد در برگرفته ی دستاوردهای اولیه ی نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی است. نظارت، کنترل دسترسی ها و دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه از جمله این دستاوردهاست (کلانتری و بیرامی، ۱۳۹۰) در اینجا ضرورت دارد پاره ای از مفاهیمی که راجع به آن بحث می شود آشنا شویم.

۱.۴. مفهوم جرم

ارنبر دورکین (جامعه شناس) عقیده دارد جرم پدیده طبیعی، اجتماعی است و از نظام، فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می گردد و تا زمانی که اجتماع و نظام آن باقی است، جرم نیز دارای خصوصیت دائمی خواهد بود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه دار کند جرم محسوب می شود. (دانش، ۱۹۹۵) به عبارت دیگر تمامی جوامع و گروه های انسانی دارای هنجارهای خاص خود هستند که با یک تداوم خاص و در مدت زمان طولانی به وجود آمده اند، قوانینی که سرپیچی از آنها مستوجب مجازات است و با تغییر در این هنجارها به عنوان جرم تلقی می شود (کسان، ۲۰۰۶)

۱.۵. مفهوم امنیت

مفهوم امنیت به دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال باز می گردد. این مفهوم در فضای شهری از یک سو با جرم و از سوی دیگر با مفهوم بزه دیده ارتباط پیدا می کند. خاطر نشان می شود که باید میان ترس و خطر، یا احساس امنیت و در امان بودن تفاوت قائل شد. از نظر علمی در مخاطرات جرم، یعنی ترس از وقوع جرم به اندازه خود آن، یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد. واکنش نسبت به ترس از قربانی شدن، باعث می شود که بسیاری از مردم، از خطرات دوری کنند یا حداقل



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

میزان در معرض خطر قرار گرفتن را کاهش دهند، که این خود میتواند منجر به عدم حضور مردم نه تنها در یک مکان خاص بلکه در بیشتر فضاهای عمومی شود. (مدیری، 2006: 22)

۲. مهندسی و جرم‌شناسی

در سال های اخیر، مطالعه و پژوهش درباره رابطه متقابل محیط شهرها با ناهنجاری های اجتماعی و بزهکاری اهمیت زیادی پیدا کرده است، زیرا ویژگی های کالبدی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر بعضی محدوده های شهری، موجب شکل گیری فرصت ها و اهداف مجرمانه در آنها می شود و در محدوده شهرها مراکز تشکیلی می شود که جرایم بسیار بیشتری نسبت به محدوده های دیگر دارد. بررسی این محدوده ها و تلاش برای ایجاد تغییرات اساسی در عوامل به وجود آورنده یا تسهیل کننده فرصت های جرم، امکان کنترل، پیشگیری و کاهش میزان ناهنجاری های شهری را فراهم می کند. کشور ما طی چند دهه اخیر، با مسائلی مانند رشد و گسترش شهرها و شکل گیری شهرهای بزرگ روبه رو بوده است. این ویژگی شهرنشینی برای ایران، مشکلات و موانع متعددی ایجاد کرده است. از جمله این مشکلات، بروز انواع ناهنجاری ها و بزهکاری شهری است که لطمات و هزینه های مادی و معنوی بسیاری برای مردم و بخش عمومی به وجود آورده است (پرهیز، ۱۳۸۹) آنچه در بررسی جغرافیایی جرایم شهری اهمیت دارد، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی (از نوع منفی و ناهنجار آن) است. این موضوع که طی چند دهه اخیر مطالعات

به جغرافیایی شهری افزوده شده است، چارچوب عملی تحلیل فضا و مکان جرم، مطالعه رابطه ناهنجاری با فضا و زمان را در محدوده شهرها فراهم می کند. به طور کلی، در این مطالعات چگونگی پیدایش، کیفیت و نحوه پراکندگی اعمال مجرمانه در محدوده جغرافیایی شهر، مدنظر بوده است. شناسایی مراکز جرم خیز و محل های احتمالی وقوع ناهنجاری در محدوده شهر، با نشان دادن فضای اعمال مجرمانه، تلفیق این اطلاعات با اطلاعات محل ارتکاب جرایم و شاخص های اجتماعی اقتصادی مجرم و محل سکونت او انجام می شود. در نهایت، این اطلاعات به شکل تاثیرگذاری به کاهش میزان جرایم در سطح شهر کمک می کند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۲-۹۸) روشن است که بعضی مکان ها به دلیل ویژگی های کالبدی و محیطی و همچنین خصوصیات اجتماعی فرهنگی اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند؛ برعکس بعضی مکان ها امکان جرم را از بین می برند و همین امر، باعث شده است در دو دهه گذشته، سیاستمداران و محققان به مکان و زمان جرم، برای جلوگیری از آن و کنترل وضعیت، توجه ویژه ای نشان دهند (تقوایی، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۰۵) بنابراین، شناسایی موقعیت هایی که این فرصت ها را ایجاد و تسهیل می کنند و ارائه راهکار برای تغییر این وضعیت، تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری های اجتماعی، مهم ترین هدف بررسی های جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها محسوب می شود (زنگی آبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۸-۱۷۹) اندیشمندان در شناسایی عوامل محیطی بروز جرایم دریافته اند، مکان، انسان، زمان سه عنصر اصلی موثر در شکل گیری رفتار مجرمانه است. بنابراین تفاوت در شرایط مکانی، زمانی و رفتاری سبب توزیع جغرافیایی متفاوت بزهکاری می شود. بر مبنای این نگرش هر فرد در چارچوب زمانی و مکانی مشخص زندگی می کند و با توجه به کنش های فردی و اجتماعی خود، درگیر با مکان های خاص و در تعامل با کسانی است که به شیوه اجتماعی با او زندگی می کنند، بنابراین کارکردهای اساسی او و همچنین تاثیر و تاثر متقابل بین فرد، اجتماع و فضای پیرامون او در این چارچوب قرار دارد. شایان ذکر است اولین مطالعات جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها به شیوه عملی از نیمه اول قرن نوزدهم و با بهره گیری از اندیشه های بوم شناسی اجتماعی با کارهای «کتله و گری» (Ketele, Gari) آغاز شد. این روند به وسیله محققین مکتب بوم شناسی اجتماعی شیکاگو در اول قرن بیستم با پژوهش افرادی چون «شاو



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

و مک کی (Shaw و McKay) ادامه یافت. اما از چند دهه قبل و به ویژه از دهه پایانی قرن بیستم تا امروز و به وازات رشد شتابزده شهرنشینی در اکثر کشورهای جهان و افزایش بی رویه نرخ بزهکاری در این کشورها، توجه و علاقه فزاینده ای نسبت به بررسی های مکانی جرایم شهری شکل گرفت و همین امر موجب شد دیدگاههای جدیدی در این زمینه مطرح شود و ابزارهای تحلیل فضایی بزهکاری توسعه یابد. از جمله این دیدگاه ها می توان به نظریه «فرصت» نظریه پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی نظریه پنجره های شکسته، نظریه سفر مجرمانه اشاره نمود. به طور کلی تمامی ناهنجاری ها و مفاصل اجتماعی که تحت عنوان جرم شناخته می شود به هر نحو که از انسان سربرزند، دارای بستر زمانی و مکانی منحصر به فرد است، به بیان دیگر تمامی جرایم دارای ظرف مکانی و زمانی خاصی است که آنها را از یکدیگر متمایز می سازد. تحلیل فضایی - زمانی بزهکاری مبین این نکته مهم و اساسی است که در برخی بخش های شهر به سبب وجود ساخت کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر آن میزان بزهکاری بالاست و برعکس برخی فضاهای شهری مانع و عامل بازدارنده فرصت های مجرمانه هستند. با توجه به تاثیر شرایط محیطی در وقوع ناهنجاری های اجتماعی لازم است از نگاه مجرم محیط جغرافیایی و شرایط حاکم بر آن دیده شود و سپس با شناخت مکان های وقوع جرم و خصیصه های کالبدی حاکم بر آن و با اصلاح این ویژگی ها این فضاها در برابر بزهکاری مقاوم گردد. رفع مشکلات طراحی کالبدی فضاها مهمترین راهکارهایی است که می تواند در مقاوم سازی محیط و پیشگیری محیطی بزهکاری عمل نماید. مانند: حذف نقاط کور، نورپردازی بهتر معابر، افزایش امکان نظارت غیررسمی ساکنین و ... به طور کلی سه نگرش عمده نسبت به پیشگیری از جرم و جنایت در محیط انسان ساخت وجود دارد. نگرش نخست، مشتمل بر «پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیطی» است که بر فرصت های جنایی تاکید داشته و می توان آنها را از طریق تکنیک های برنامه ریزی و معماری کاهش داد و این تکنیک ها موجب فراهم کردن زمینه ای مشکل و پیچیده برای وقوع جرم و کاهش ترس از آن می گردند. نگرش دوم در برگیرنده جلوگیری از جرم در مکان های ویژه است. این نگرش به دنبال پرداختن به کاهش جنایت در مکان های ویژه از طریق راهبردهای فیزیکی و سازمانی پیشگیری از جرم نظیر سیاست گذاری در اجتماع و پیشگیری از جرم در اجتماع می باشد. نگرش فوق مفهوم طراحی را با تغییرات صورت گرفته در مدیریت و استفاده از مکان تاکید می کند. نگرش سوم، مشتمل بر سیاست های مکانی جلوگیری از جرم می باشد که عمدتاً در بریتانیا گسترش یافته. هدف این نگرش، کاهش سطوح جرم و جنایت با کمک از میان بردن یا مسدود کردن فرصت های جرم و جنایت می باشد این نگرش بر روی محیط و مکان جرم با گسترش اقدام ها و کاهش فرصت های جنایی متمرکز می شود. علی رغم تفاوت هایی که میان این سه نگرش وجود دارد، نکته ی اشتراک میان آن ها، تمرکز آن ها بر روی محیطی است که جرم در آن اتفاق می افتد و بحث استدلال در مورد طراحی و مدیریت این مکان ها به منظور جلوگیری از جرم می باشد (کلانتری، ۱۳۸۶) همانگونه که ذکر شد جرم امروزه مشکل تمام کشورها است و مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی تمام افراد تاثیر می گذارد. علاوه بر مشکل جرم، ترس از جرم نیز یکی از معضلات جوامع کنونی است که آثار روان شناختی شدیدی چون اضطراب، بی اعتمادی، انزوا در زندگی انسان ها باقی گذاشته و موجب می شود تا افراد از حضور در محیط اجتناب کنند. بنابراین تفاوت در ویژگی های مکانی و زمانی و الگوهای رفتاری توزیع فضایی متفاوت بزهکاری در سطح شهرها را پدید می آورد. و از آنجا که مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می کنند و مکان هایی را جهت اعمال مجرمانه خود بر می گزینند که ارتکاب جرم با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان پذیر باشد. از این رو ساختار کالبدی شهرها در بروز جرایم تاثیر به سزایی دارد و تغییر در مشخصه های مکانی منجر به شکل گیری الگوهای زمانی و مکانی خاص بزهکاری می شود. به همین دلیل نیاز است که راهکارهایی برای پیشگیری از جرم ارائه گردد تا نرخ جرایم در شهرها کاهش یابد. نقش برنامه ریزی شهری در اینجا از اهمیت قابل توجهی برخوردار می شود، به این دلیل که برنامه ریزی شهری به عنوان علم ساماندهی شهرها، می تواند نقش مهمی در تغییر شرایط فیزیکی و مکانی آن جهت کاهش جرایم ایفا نماید و برنامه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ریزان شهری می توانند با شناخت ویژگی ها و تسهیلات مکانی جرم در شهرها و با اعمال تغییرات در این محیط و همچنین با برنامه ریزی و طراحی محیطی به منظور حذف تسهیلات محیطی جرم، نرخ جرایم را در سطح شهرها به حداقل برسانند که برای تحقق بهتر این امر باید از تجارب شهرسازان و معماران در این زمینه بهره گیرند و ساختار نظام کنترلی را طوری طراحی یا تغییر دهند تا به هدف پیشگیری از جرم و کاهش میزان ارتکاب و تکرار آن ها دست یافت. (عبداللهی، 2004)

۱.۲. ارتباط بین شهر و جرم

ارتباط بین شهر و جرم از آن جهت است که ویژگی های فضایی محیط شهر می تواند پرورش دهنده ی جرائم خاص باشد. نکته اساسی آن است که شرایط عینی و کالبدی زندگی شهری می تواند روابط شهروندان با شهر را محدود سازد. ریشه ی این محدودسازی تعاملات با شهر، نگرانی و ترس آنان از تعرض اعمال و رفتارهای مجرمانه است. شهروندان برای کاهش آسیب ها و ضررهای چنین تعرضی ترجیح می دهند تا حیطه ی بده بستان خود را با شهر محدود کنند (مرصوسی و همکاران، ۱۳۹۳) برنامه ریزان شهری تاکید می کنند با توجه به ساختار شهری (مورفولوژی) می توان ضمن بررسی فرآیند شکل گیری شهر، به عوامل محیطی مرتبط و موثر بر پیشگیری از جرم پرداخته و علاوه بر مشخص کردن نواحی جرم زا در شهرها، به تاثیر نقش تراکم شهرها، نحوه توزیع نقاط داغ جرم و عوامل موثر بر آن ها توجه داشت. امروزه ثابت شده که موثرترین طرح ها و اقدامات آنهایی هستند که با طبیعت و محیط هماهنگی دارند. شرایط خاص محیطی و ژئومورفیک برخی مناطق باعث شده که این مناطق برای وقوع برخی جرایم مستعد بیشتر

باشند (پازوکی زاده، 2008) پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) در سال های اخیر، یک دیدگاه اجتماعی فضایی مطرح شده در جرم شناسی، برنامه ریزی و طراحی شهری است. با توجه به اینکه کیفیت محیط فیزیکی و طراحی آن، بر ایجاد فرصت های مجرمانه و تسهیل ارتکاب جرم موثر است، طراحی در برابر جرم اهمیت دارد. به عقیده Crowe طراحی در برابر جرم، با بهره گیری موثر از محیط، ترس از جرم و همچنین حوادث آن را کاهش، و کیفیت زندگی را ارتقاء می دهد. هدف پیشگیری از جرم، از طریق طراحی محیط، حمایت از خانواده ها، کودکان و جوانان؛ تقویت جوامع و احیای فرهنگ همسایگی؛ توجه ویژه به تهدیدات اصلی؛ کاهش تهاجمات تکرارشونده؛ طراحی در برابر جرم؛ و بهره گیری از تکنولوژی است (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۵) این دیدگاه، برای افزایش توان بالقوه جامعه در محافظت از خود، ۴ راهکار کلیدی را پیشنهاد می کند: قلمروپایی؛ نظارت طبیعی؛ حمایت از فعالیت ها و کنترل دسترسی. این نوع طراحی، همچنین اختلاط کاربری، افزایش فعالیت و مدیریت و نگهداری مستمر و موثر از فضا را توصیه می کند. درباره این موضوع اتفاق نظر جمعی وجود دارد که روش طراحی در برابر جرم، از یک سو، در بعد کاهش حقیقی جرائم در محیط های شهری، و از سوی دیگر، در افزایش احساس ایمنی و امنیت فضایی در آنها موثر است (Crow, T, 2000: 43-67) تا وقتی که پایداری به وضوح، ابعاد مختلف جرم و ترس از آن را در جامعه بررسی نکند، به تمامی اهداف خود نمی رسد. از سوی دیگر، شهر یک اکوسیستم است و جرم و ترس از آن، با این اکوسیستم درهم تنیده شده اند. مطالعات جرم شناسی و بوم شناسی جرم، بر این نکته تاکید دارند که جرم و ترس از آن، مهم ترین عناصر پایداری شهر هستند. برای مثال، فلسون (Felson) در نظریه «طبیعت و جرم» جرم را بر حسب موقعیت؛ مکان؛ زمینه و اکوسیستم تحلیل کرده است. در گذشته، پایداری بیشتر مساله ای اقتصادی یا محیطی محسوب می شد و توجه زیادی به مسئله جرم و ترس از آن نداشت؛ اما اخیراً جرم بعدی از پایداری شده و به صورت گسترده ای درباره آن، بحث و ارزیابی انجام شده است؛ چنان که به وضوح، پویایی این دانش را نشان میدهد. (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۵)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲.۲. جمع بندی و نتیجه گیری

با شناخت اولیه این آسیب که همان جرم زایی در نقاطی از مناطق مسکونی می باشد ما را بر آن میدارد که با تجزیه و تحلیل علل به وجود آمدن این آسیب ها به نوعی در صدد کاهش و رفع آن برآییم به نظر می رسد سه گروه اصلی در پدیدآمدن فضاهای نامناسب و جرم زا نقش دارند: ۱- طرح های جامع و هادی و نسنجیده و ناقص و شتابزده که باعث ایجاد خلاهای امنیتی و بحران زا می شود. امنیت جامعه ما در گرو ساخت و سازهای منطقی و بدون کاستی می باشد. ۲- گسترش بی رویه شهرها و حتی بعضی شهرک ها و مناطق حاشیه نشین که در اثر هجوم ناخواسته مهاجرت بی برنامه اتفاق افتاده یعنی مناطقی که بدون هیچ گونه پیش بینی و برنامه ریزی و با اصطلاح معروف زور آباد شکل گرفته است. ۳- نادیده گرفتن علم جرم شناسی در کنار مهندسی، معماری و شهرسازی که با بهره گیری از این علم می توان از بروز بسیاری از جرائم در شهرها جلوگیری کرد (اردکانی، ۱۳۹۷) اصولاً از عوارضی که ما به عنوان آسیب در بافت های جرم خیز یاد می کنیم اشکالات در طراحی شهرسازی و یا فقدان چنین طرح هایی می باشد که برای هریک از موارد ذکر شده باید چاره ای اندیشید. کاستن از تراکم جمعیت به دلیل اینکه جرم شناسان به این نکته تاکید و اتفاق نظر دارند که تراکم جمعیت یکی از عوامل جرم زا است. به طور مثال انریکوفری را می توان اولین جرم شناسی داشت که در رابطه با تاثیر عوامل محیط در وقوع جرم مسائلی را به طور جدی مطرح نموده است و در مورد تراکم جمعیتی به خصوص در شهرک ها و تاثیر مستقیم و غیرمستقیم آن در جرم توصیفات وی قابل توجه می باشد. (رحمت، ۱۳۸۵: ۸۵-۷۷) با ایجاد شرایط مناسب و کاهش مهاجرت از روستا به شهر که منجر به حاشیه نشینی و به علت نداشتن طراحی صحیح شهری در اینگونه محلات محیط های مستعدی جهت جرم خیزی می شود اقدام کرد زیرا این موضوع باعث برخورد خرده فرهنگ های مختلف و برخورد ارگانیک و مکانیکی بین مهاجرین و شهرنشینان می شود. ما می دانیم که انسان های توانا می توانند بر هر مشکلی فایق آیند. پس می توان با همراهی و همکاری جامعه مهندسی و جامعه جرم شناسان کشوری آباد و بری از کژی ها ساخت. (اردکانی، ۱۳۹۷)

منابع:

- [۱] قائمی اردکانی، مهرآفرین، ۱۳۹۷، تاثیر محل سکونت در بزهکاری از دیدگاه جرمشناسی، دانشگاه بوبین زهرا، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی
- [۲] پرهیز، ف. (۱۳۸۹) تحلیل فضایی کالبدی ناهنجاری های اجتماعی در مناطق اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: منطقه اسکان غیر رسمی اسلام آباد در شهر زنجان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اسلامی، دانشگاه زنجان.
- [۳] پور احمد، ا. رهنمایی، م و کلانتری، م. (۱۳۸۲) «بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران» فصلنامه پژوهش های جغرافیایی انسانی، ش ۸۱، ص ۴۲-۹۸
- [۴] تقوایی، م. (۱۳۸۹). «بررسی و مقایسه شاخص های شش گانه جرم در مناطق مختلف شهر شیراز» فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال ۸، ش ۲۶، ص ۱۳۳-۱۰۵
- [۵] رحمت، محمدرضا، «نقش طراحی محیط در پیشگیری از جرم، فصلنامه علمی- پژوهشی گواه، شماره ۹ و ۸، زمستان ۱۳۸۵، صص ۸۵-۷۷
- [۶] زنگی آبادی، ع. رحیمی نادر، ح. (۱۳۸۹) تحلیل فضایی جرم در شهر کرج (با استفاده از، GLS) «فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۲، ص ۱۷۹-۱۹۸
- [۷] گروه برنامه ریزی موسسه سرکیسیان، (۱۳۹۰)، طراحی شهری و پیشگیری بزهکاری، (ترجمه کلانتری و بیرامی)، زنجان: نشر آذر کلک



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- [۸] ضرابی، اصغر و همکاران، «شناسایی و تحلیل مکانی کانون های جرم خیز: منطقه ۱۲ کلان شهر تهران»، فصلنامه پژوهشی، امنیت و نظم اجتماعی، سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵
- [۹] کلانتری، محسن، «تاثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن»، فصلنامه پژوهشی، مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۶
- [۱۰] مرصوصی، نفیسه و همکاران، «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از وقوع جرائم شهری»، فصلنامه پژوهشی، جرم شناسی شهری، پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- [۱۱] مزینی، منوچهر، «فرهنگ و زیبایی شناسی شهری»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۵
- [12] Abdullahi. h, M. (2004), Crime prevention through urban land use planning (case study: robbery in the zanjan city), MSc Thesis Geography and Urban Planning University of Zanjan.
- [13] Crow, T. (2000), Crime Prevention through Environmental Design, 2 nd Edition. Boston: Butter Worth-Heiman. Pp 43-67
- [14] Danesh, TZ. (1995), who is guilty, criminology is, keyhan Publishing, Sixth Edition.
- [15] Kasan, M. (2006), Principles of Criminology, Mir Ruhollah Sadiq Translator. Tehran
- [16] Modiri, A. (2006), Crime, violence and a sense of security in public spaces, social welfare Quarterly, Vol. 6, No.22.
- [17] Pazukizadeh, M. (2008), Investigation
- [18] [http:// www.tehranimage.com](http://www.tehranimage.com) در ارمغان زمان فشمی (۱۳۹۴) «غریبه های شهرها» قابل دسترسی